

فهرست

سخن ناشر..... ۹

مقدمه مؤلف..... ۱۱

فصل اوّل: جایگاه زن و آزادی او

۱. نگاه غرب به زن، از دیروز تا امروز..... ۱۶

۲. زن در نظام شاهنشاهی..... ۱۸

۲. جایگاه زن در اسلام و انقلاب اسلامی..... ۲۰

۴. نسخه شفابخش..... ۲۳

فصل دوّم: کلیات

مفهوم پوشش و حجاب..... ۲۶

مفهوم عفاف..... ۲۷

رابطه عفاف با حجاب و پوشش..... ۲۷

تاریخچه حجاب..... ۲۹

پوشش در ادیان الهی..... ۳۰

کشف حجاب در ایران..... ۳۳

۸۱	حدود پوشش و نگاه
۸۶	روایات حدود پوشش
۸۸	احکام حدود پوشش
۹۰	حد پوشش در نماز
۹۱	چادر، حجاب برتر
۹۳	پوشش زن از زن
۹۴	پوشش زن در مقابل کودکان
۹۴	روایات حدود نگاه
۹۷	نگاه و خواستگاری
۹۸	احکام حدود نگاه
۱۰۳	نگاه پزشک
۱۰۵	نگاه به عکس و فیلم
۱۰۷	نوع پوشش
۱۱۳	نوع پوشش در روایات
۱۱۵	لباس شهرت
۱۱۶	تشبیه زن به مرد و برعکس
۱۱۶	احکام نوع پوشش
۱۱۹	گفتگو با نامحرم
۱۲۰	گفتگو با نامحرم در روایات
۱۲۱	احکام گفتگو با نامحرم
۱۲۴	ورود به حریم زن و شوهر
۱۲۷	حکم رعایت عفت
۱۲۷	پوشش زنان سالخورده

۳۵	ضرورت حفظ حریم میان زن و مرد
۴۴	فلسفه حجاب
۴۵	فلسفه حجاب کامل در نماز

فصل سوم: نیاز انسان به لباس

۴۸	حجاب در قرآن و سنت
۴۸	لباس، محافظ بدن از سرما و گرما
۵۱	حیاء و وقار
۵۴	حیا و وقار در روایات
۵۵	عفاف در روایات
۵۶	غیرت در روایات
۵۷	لباس عامل آراستگی و وقار
۶۲	خودآرایی و آراستگی در روایات
۶۷	تجمل‌گرایی در پوشش
۶۸	استفاده نابجا از زینت و بوی خوش
۷۰	احکام خودآرایی و آراستگی
۷۳	حفظ حریم در قرآن
۷۵	حفظ حریم در روایات
۷۶	اختلاط زن و مرد
۷۶	دست دادن با نامحرمان
۷۷	بوسیدن
۷۷	احکام حفظ حریم
۷۹	آداب ورود به خانه دیگران
۸۰	آداب ورود به خانه دیگران در روایات

روایت پوشش زنان سالخورده.....	۱۲۹
عاقبت بی حجاب	۱۲۹
کیفیت حجاب مورد نظر اسلام	۱۳۰
حضور زن در اجتماع.....	۱۳۳
نه حبس و نه اختلاط	۱۳۷
فصل چهارم: بدحجابی؛ مقابله، پیامدها و راه‌های درونی کردن	
راه‌های برخورد و مقابله با بدحجابی.....	۱۴۰
حجاب اقلیت‌ها	۱۴۴
پیامدهای بدحجابی	۱۴۵
راه‌های درونی کردن حجاب در افراد.....	۱۵۲
نقش خانواده در درونی کردن حجاب.....	۱۵۳
سیره عملی حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> و اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در باب پوشش	۱۵۵
سخن آخر: حجاب حق الهی	۱۵۹
منابع.....	۱۶۱

سخن ناشر

از دیدگاه اسلام، همان‌گونه که دین راهنمای اندیشه و اخلاق و عبادات است، راهنمای انتخاب‌ها و بایدها و نبایدها در همه شئون زندگی است. طرح پژوهشی - فرهنگی «فقه و زندگی» با این عقیده شکل گرفت که اسلام پاسخ‌گوی نیازهای بشر در همه عرصه‌های زندگی است. رفتار و اعمال روزمره هر انسان صدها حکم واجب و مستحب و شرایط حقوقی و اخلاقی دارد که دانستن آن در سلامت روابط اجتماعی و تکامل اخلاقی و معنوی انسان اثر می‌گذارد، همچنین صدها حرام و مکروه دارد که انجام آن، فضای زندگی فردی و اجتماعی را تیره و تار می‌سازد.

از آنجا که بسیاری از مشکلات اجتماعی، ناشی از ندانستن احکام الهی و عمل نکردن به قوانین فقهی است، اگر دولت‌ها و ملت‌ها احکام و دستورهای حیات‌بخش الهی را بشناسند و به آن عمل کنند زندگی هر روز شیرین و شیرین‌تر می‌شود و زمینه برای رشد معنوی و سعادت جاودانی فراهم می‌گردد.

نویسنده محترم این اثر، همچون سایر نویسندگان مجموعه کتب فقه و زندگی، با بهره‌گیری از قرآن، سنت، فقه اهل‌بیت، اخلاق اسلامی و اصول مسلم عقلی سعی کرده که وظیفه و تکلیف الهی و دینی بانوان محترم را، در رابطه با پوشش و حجاب تبیین کرده و آن‌ها را برای عمل به واجبات و مستحبات الهی راغب و نزدیک‌تر و از مکروهات و محرمات دور نماید؛ که جا دارد از قلم شیوا و تلاش محققانه ایشان تشکر و قدردانی شود.

همچنین از تمام مسئولان و دست‌اندرکاران، به‌ویژه حجج اسلام محمود مهدی‌پور و محمد حسین فلاح‌زاده که نظارت علمی این مجموعه را به عهده دارند، و «دبیر ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر»، جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج سید احمد زرگر و تشکل‌های مردمی ستاد، که با راهنمایی و حمایت‌های مالی، ما را در چاپ و نشر این مجموعه یاری می‌دهند، تشکر و قدردانی می‌شود.

امید است که دیدگاه‌های علمی و تجربی خویش را برای تکمیل و اصلاح این مجموعه، به نشانی: قم، خیابان سمیه، کوچه ۱۲، پلاک ۳۵۵، پژوهشکده امر به معروف ارسال کنید و ما را در ارائه بیشتر و بهتر خدمات فرهنگی یاری فرمایید.

والله ولی التوفیق

پژوهشکده امر به معروف

تلفن: ۰۲۵)۳۷۷۳۴۴۳۰

Info@Al-Adl.ir

مقدمه مؤلف

پوشش زن در برابر مرد بیگانه از مسائل مهم اسلامی است که قرآن کریم با صراحت بر وجوب آن تأکید نموده است. پوشش مناسب، پرهیز از نگاه حرام و عدم جواز خلوت، لازمه حفظ حریم میان مردان و زنان نامحرم است.

زن با رعایت حجاب اسلامی، علاوه بر این که روح خود را برای تزکیه، پالایش و قرب الهی آماده می‌نماید، زمینه رشد معنوی مردان و گسترش امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد، حفظ حریم میان مردان و زنان، روح و روان و اخلاق آنان را سامان‌دهی کرده، بر تحکیم نظام خانواده می‌افزاید. حال اگر کسانی با نگرش دینی-اسلامی یا با دید جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه به چنین تأثیرات مطلوب، به‌ویژه تأمین امنیت اجتماعی پی ببرند برای اندیشه‌ها و رفتارهایشان دست به گزینش می‌زنند تا به کمال انسانی دست یابند. از این رو به پوشش و عفاف نیز به عنوان یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم، که مصونیت اخلاقی و خانوادگی و سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد، می‌نگرند.

پوششی که اسلام آن را به عنوان یک حکم شرعی اعلام کرده، یک عمل ظاهری نیست، بلکه بر پایه‌های محکم عقیدتی استوار است. این پایه‌ها عبارتند از:

۱. ایمان به خدا و جهان آخرت: ایمان به خدای علیم و حکیم، علاوه بر ایجاد آرامش روحی و روانی، این اطمینان را در انسان به وجود می‌آورد که احکام و دستورات الهی، بدون نقص و دارای آثار مطلوبی است. بنابراین، احکام الهی را با تمام وجود پذیرفته و به آن‌ها عمل می‌نماید.

۲. تقوا و پرهیزکاری: این عامل، اعتقاد قلبی انسان را به شکلی که مطلوب خداوند متعال است، در عمل او ظاهر می‌سازد. کسی که درمان بیماری دل را تقوا بداند و آن را به کام جان خود بریزد، در برابر معبود، سراپا تسلیم و رضا می‌گردد و حفظ حریم را محدودیت نمی‌داند.

۳. آگاهی کامل: وقتی زن برای این پرسش درونی خود که «چرا باید پوشیده باشم؟» پاسخ قانع‌کننده پیدا کند، بی‌تردید با جان و دل این مسئولیت بزرگ فردی و اجتماعی را می‌پذیرد و دوام آن را تضمین می‌نماید. به طور کلی، شناخت کافی درباره آثار حیات‌بخش رعایت حجاب، باعث می‌شود که زن نه تنها از رعایت آن احساس سنگینی نکند، بلکه بی‌بندوباری و پوشش نامناسب را برای روح و جسم خود و خانواده و اجتماع باری سنگین و غیر قابل تحمل بداند.

بر این اساس و با توجه به آیات شریفه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾^۱؛ ما اجر کسانی را که عملشان نیکوست، ضایع نمی‌کنیم و ﴿إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ﴾^۲؛ ما اجر

۱. سوره کهف، آیه ۳۰.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۷۰.

نیکوکاران را از بین نمی‌بریم، دست‌کم در میان پیروان دین مقدس اسلام، پدیده بی‌حجابی و بدحجابی بروز و ظهور نخواهد داشت، چراکه زنان پوشش اسلامی را عملی صالح و نیکو قلمداد می‌کنند که به وسیله آن می‌توانند عشق درونی و ایمان قلبی‌شان را به معبودشان بر سر هر کوی و برزن فریاد بزنند. و از آن‌جا که خداوند فرمود: ﴿وَالْعَقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۱ فرجام نیک از آن‌ها پاکان پرهیزکار است. کسی که رفتارش مطابق دستورات الهی نیست، نباید انتظار داشته باشد که دیگران تقوا و ایمان قلبی او را باور کنند. او باید بداند که لاجرم این‌گونه اعمال به فرموده امام جعفر صادق علیه السلام باعث سیاهی قلب او و خارج شدن نور ایمان از دلش خواهد شد.^۲

اگر در قرآن کریم همواره ایمان و عمل صالح در کنار هم ذکر شده، بدان معناست که خداوند دوست دارد زیبایی قلبی و درونی انسان‌ها به شکل عملی زیباتر جلوه‌گر شود تا او بتواند بانگ ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾^۳ سر داده و به خلقت بشر در برابر مخلوقات دیگرش افتخار نماید.

تلاش این نوشتار بر آن است تا به اختصار، فلسفه، ضرورت و احکام پوشش و نگاه را از دیدگاه قرآن و روایات و فتاوی مراجع عظام تقلید بیان نماید، باشد که به لطف پروردگار این شناخت تبدیل به ایمان قلبی گردیده، عمل صالح به بار آورد تا در پرتو آن، زنان و مردان جامعه مصداق آیه شریفه ﴿يَتَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً﴾^۴ شوند و در بهشت با اولیای خدا همنشین گردند.

۱. سوره قصص، آیه ۸۳.

۲. کافی، ج ۲، ص ۲۷۱.

۳. سوره مؤمنون، آیه ۱۴.

۴. سوره فجر، آیات ۲۷ و ۲۸.

چنان که به یاری حق روشن خواهد شد، حجاب مصداق بارز دستورهایی حیات بخش خدا و رسولش است که بنا بر بیان آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»؛

«ای اهل ایمان وقتی که خدا و رسولش شما را به آن چه حیات بخش است دعوت می کنند، اجابت کنید و بدانید که خداوند بین فرد و قلبش واقع است و به سوی او محشور خواهید شد.» اجابت آن ضروری است.

گفتنی است احکامی که در ادامه خواهد آمد مطابق با فتوای حضرت امام علیه السلام و رهبر معظم انقلاب جمع آوری گردیده و در مواردی که مراجع عالیقدر دیگر نظرشان با این دو بزرگوار یکی بوده، مقابل آن مسئله با کلمه «همه» به این مطلب اشاره شده و در غیر این صورت نظر مخالف بیان گردیده است.

به دلیل این که توجه اصلی این کتاب، زن و کرامت اوست؛ ناگزیر برای ایجاد بستری مناسب، دیدگاههای مختلف درباره زن را به اجمال طرح نموده، در صدر سخن از کلام حضرت امام علیه السلام و رهبر معظم انقلاب و شهید مطهری علیه السلام یاری می جوئیم، باشد که انفاس قدسیه این بزرگواران بر تأثیر کلام بیافزاید.

طاهره جباری

فصل اول

جایگاه زن و آزادی او

گذاشته‌اند. در حالی که در واقع آزادی مردان هرزه برای تمتع از زن است. غربی‌ها در عرصه هنر هم به زن ظلم کردند؛ اگر امروز در آثار هنری، داستان‌ها، رمان‌ها، نقاشی‌ها و انواع کارهای هنری نگاه کنید، خواهید دید با چه دیدی به زن می‌نگرند. آیا جنبه‌های مثبت و ارزش‌های والایی که در زن وجود دارد، مورد توجه قرار می‌گیرد؟ آیا عواطف رقیق و خوی مهرآمیزی که خدای متعال در زن به ودیعه گذاشته است، خوی مادری، روحیه نگهداری از فرزند و تربیت فرزند مورد توجه است یا جنبه‌های شهوت‌رانی و به تعبیر آن‌ها «عشقی»؟ که البته این تعبیر غلط و نادرستی است، حقیقت مسئله شهوت است نه عشق. آن‌ها خواستند زن را این‌طور پرورش و عادت بدهند. آن‌ها زن را به عنوان یک موجود مصرف‌کننده دست‌و‌دل‌باز و کارگر کم‌توقع و کم‌طلب و ارزان تلقی می‌کنند، لکن اسلام این‌ها را برای زن ارزش نمی‌داند.^۱

در اروپا و غرب، جنس مرد اجازه پیدا می‌کند به هر شکلی از جنس زن التذاذ ببرد و این در فرهنگ روم قدیم به اشکال مختلف وجود داشته است. اگر دیده می‌شود، در جامعه غربی نسبت به زن به نحوی از آن‌ها، بعضی از تکریم‌ها می‌شود و ستاره‌های سینما و هنرپیشه‌ها و زن‌های زیبا را در مسابقات زیبایی مثلاً احترام می‌کنند؛ این از آن نوع تکریم در مقام اهانت و اهانت به شکل تکریم است.^۲ اروپایی‌ها چون دیر از خواب بیدار شده‌اند، می‌خواهند عقب‌افتادگی از لحاظ زمان را با هیاهو و جنجال‌های دروغین جبران کنند؛ زیرا تا اواسط دهه‌های دوم این قرن در هیچ جای اروپا هیچ زنی حق رأی و تصرف در مال خود را نداشت.^۳

۱. نگاه غرب به زن، از دیروز تا امروز

در امپراتوری روم که پایه تمدن امروزی اروپاست، زن‌ها را به بالاترین مقام و به آرایش‌ها می‌آراستند و احترامشان می‌کردند. برای اشیاع یکی از خاکی‌ترین و مادی‌ترین خصلت‌های بشری در مرد و این بزرگ‌ترین توهین و تحقیر نسبت به انسان و نسبت به جنس زن است!^۱

زمانی که اروپایی‌ها تازه صنایع را به وجود آورده بودند و سرمایه داران غربی کارخانجات فراوان تأسیس کرده بودند احتیاج به نیروی کار ارزان، بی‌توقع و کم‌دردسر داشتند و لذا زمزمه آزادی زن را بلند کردند؛ برای این که زن را از داخل خانواده به داخل کارخانه‌ها بکشانند و به عنوان یک کارگر ارزان از او استفاده نموده، جیب‌های خودشان را پر کنند. امروز آن‌چه به نام آزادی زن در غرب مطرح است، ادامه همان داستان و ماجراست. در گذشته تاریخ هم به زن ظلم شده، اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه‌گیر مخصوص دوران اخیر و ناشی از تمدن غرب است که زن را وسیله التذاذ مرد معرفی کرده‌اند و اسمش را آزادی زن

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۸۱/۹/۲۵، همان، ۷۱/۲/۱۵.

۲. همان، ۶۸/۱۰/۲۶.

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۷۰/۱۰/۴.

شگفت آور این که در غرب با همه ادعاها در مورد تکریم زن و با همه تشریفات دروغین و ظاهری که به عنوان تکریم انجام می‌گیرد، ارتباط زن و شوهرها در داخل خانه‌ها تأسف بار است، مثل روابط زن و شوهر که در خانواده‌های بسیار ارتجاعی و متعصب ما وجود دارد؛ مثل کتک زدن، سیاه کردن بدن زن، کشتن زن به خاطر چیزهای کوچک که معمول است. این‌ها موجب تأسف است.^۱

۲. زن در نظام شاهنشاهی

از حرمسراهای پادشاهان خبرهایی شنیده‌اید. این حرمسرداری یعنی چه؟ حرمسرداری همان اهانت یک مرد است که چون قدرت دارد، به خودش حق می‌دهد هزار نفر زن را در حرمسرای خود نگه دارد. اگر همه ملت هم این قدرت را داشتند، می‌خواستند به قدر خودشان هزار، چهارصد یا دویست زن داشته باشند. این حاکی از چه نگرشی نسبت به زن است.^۲ «زن در جامعه خودباخته نظام پلید پادشاهی حقیقتاً از همه جوانب مظلوم بود. اگر زن می‌خواست وارد مقوله علم بشود، باید قید دین و تقوا و عفاف را می‌زد، در میدان سیاست و در زمینه‌های اجتماعی هم همین‌طور. البته به این بستگی داشت که خود این زن جوهر و استعدادش چگونه باشد. اگر خیلی سست‌عنصر بود، تا آن اعماق می‌لغزید، اگر خویشتن‌دار بود تا حدودی می‌توانست خودش را حفظ کند، با توجه به این که دائماً با فشارهای روزافزون از سوی محیط اجتماعی روبه‌رو بود.»^۳

در رژیم گذشته با این که جمع کثیری از زن‌ها بی‌سواد بودند و از مسائل سیاسی، اجتماعی دور نگه داشته شده بودند و اصلاً نمی‌دانستند که زن می‌تواند در سرنوشت کشور دخالت داشته باشد، از لحاظ ظاهری شبیه زنان اروپایی، گاهی هم روی دست آن‌ها زده بودند، وقتی آدم با آن‌ها روبه‌رو می‌شد خیال می‌کرد این زن الان از یک کشور اروپایی وارد ایران شده است، ولی هرگاه با وی دو کلمه صحبت می‌کرد، معلوم می‌شد یک خانم بی‌سواد یا کم‌سواد است؛ ضعف شخصیت، او را وادار کرده تا برای خود شخصیتی کاذب درست کند. جلوه‌گری می‌کرد تا چشم‌ها را به سوی خود جلب کند. این، برای زن انحطاط بود. این پیشرفت نبود که زن را با آرایش و با مد یا جلوه‌گری و لباس و طلا و زیورآلات سرگرم نموده، از او به عنوان یک ابزار و وسیله در راه رسیدن به مقاصد گوناگون استفاده کنند و نگذارند در میدان سیاست، اخلاق و تربیت وارد شود، آیا جنایتی از این بزرگ‌تر نسبت به زن ممکن است؟^۱

«زن‌ها را در این دوره‌های اخیر منحنط کردند. نیروهای بانوان ما را به عقب راندند، بانوان ما را منحنط کردند؛ خیانت کردند بر ملت ما. بانوان ما را ملعبه کردند؛ بانوان ما را مثل عروسک‌ها کردند. بانوان ما جنگ‌جو بودند، این‌ها خواستند ننگ‌جو باشند! و خدا نخواست. این‌ها اهانت به مقام زن کردند. این‌ها می‌خواستند زن را مثل شیء، مثل یک چیز، مثل یک متاع به این دست و آن دست بگردانند.»^۲

۱. سخنرانی رهبری معظم انقلاب، ۶۸/۱۰/۲۷.
۲. صحیفه نور، ج ۶، ص ۳۰۰.

۲. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۷۰/۱۰/۴.

۱. همان، ۷۱/۲/۱۵.
۳. همان، ۶۸/۱۰/۲۷.

۲. جایگاه زن در اسلام و انقلاب اسلامی

اسلام در وقتی که ظهور کرد (در جزیره العرب)، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند؛ اسلام آن‌ها را سر بلند و سرفراز کرد، اسلام آن‌ها را با مردان مساوی کرد. عنایتی که اسلام به بانوان دارد، بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد. مردان بر ملت‌ها حق دارند و زن‌ها حق بیشتر دارند. زن‌ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان‌ساز است، و زن‌ها نیز انسان‌ساز. وظیفه زن‌ها انسان‌سازی است، اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشود، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد، شکست خواهند خورد، منحط خواهند شد. زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند. بانوان از صدر اسلام با مردان در جنگ‌ها هم شرکت داشته‌اند. مقام زن مقام والاست؛ عالی رتبه هستند. بانوان در اسلام بلند پایه هستند. ما می‌بینیم و دیدیم که زن‌ها، (بانوان محترمانه) همدوش مردان بلکه جلو [تر از] مردان در صف قتال ایستادند. بچه‌های خودشان را از دست دادند، جوانان خودشان را از دست دادند و شجاعانه مقاومت کردند. ما می‌خواهیم زن در مقام والای انسانیت خودش باشد نه ملعبه باشد؛ نه ملعبه در دست مردها باشد، در دست ارادل باشد.^۱

بانوان محترم ایران ثابت کردند که در دژ محکم عفت و عصمت هستند و جوانان صحیح و نیرومند و دختران عفیف و متعهد به این کشور تسلیم خواهند کرد و هیچ‌گاه در آن راه‌هایی که قدرت‌های بزرگ برای تباه کردن این کشور پیش پای آن‌ها گذاشته بود، نخواهند رفت.^۲

۱. صحیفه نور، ج ۶، ص ۳۰۰.

۲. همان، ج ۱۴، ص ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷.

هدف از آفرینش هر فرد انسان، همان هدف از آفرینش بشریت است؛ یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از بیشترین فضائلی که یک انسان و یک فرد می‌تواند به آن فضائل آراسته شود. لذا فرقی بین زن و مرد نیست. نشانه‌اش هم در درجه اول فاطمه زهرا علیها السلام است که در قلعه بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و دیگر زنان بزرگ تاریخ در درجه بعد از ایشان. همان‌گونه که می‌بینیم آن بزرگوار به عنوان یک بانوی مسلمان این فرصت و این قدرت را یافت تا خود را به این اوج برساند. پس فرقی بین زن و مرد نباید باشد، شاید به همین جهت است که خدای متعال در قرآن کریم آن‌جا که راجع به نمونه انسان‌های خوب و نمونه انسان‌های بد مثال می‌زند، مثال را در هر دو مورد از زن انتخاب می‌کند که در یک مورد همسر فرعون و در مورد دیگر همسر نوح و لوط ﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ﴾^۱ در مقابل وقتی می‌خواهد در مورد انسان بد و نگون‌بخت و انسانی که در جهت غلط حرکت می‌کند نمونه ارائه بدهد، به همسر نوح و لوط مثال می‌زند. شاید جای سؤال باشد که چرا زن و مرد، هر دو را نمی‌آورد. اسلام می‌خواهد در مقابل این برداشت و روش غلط و فهم نادرست که در طول تاریخ از مسئله زن وجود داشته، بایستد. شما از تعلیمات انبیا که بگذرید در همه برداشت‌های بشری و در همه تحلیل‌ها و تفکراتی که بشر داشته جایگاه زن و مرد یک جایگاه نادرست است و نسبت زن و مرد یک نسبت غلط است. حتی در تمدن‌های بزرگ مثل ایران و روم. ادعای ما نسبت به مسئله زن در عالم این است و آن چیزی را که در تمدن‌های مادی نسبت به زن عمل می‌شود و امروز وجود دارد به هیچ وجه قبول

۱. سوره تحریم، آیه ۱۱.

نداریم و آن را به صرفه و صلاح زن و صرفه و صلاح کل جامعه نمی‌دانیم.^۱

تبلیغات استکباری و صهیونیستی ما را متهم می‌کنند که به رشد علمی و فرهنگی زنان اهمیت نمی‌دهیم؛ آن‌ها می‌دانند که این اتهام دروغ است ولی تکرار می‌کنند؛ ما برای زن ارزش واقعی انسانی قائلیم، ما میان زن و مرد تفاوتی قائل نیستیم. معتقدیم زن و مرد هر دو انسانند و میدان تکامل در برابر آن‌ها باز است؛ راه حضور سیاسی هم باز است. در انقلاب هم ما مشاهده کردیم نقش زن‌ها از مردها اگر بیشتر نبود کمتر هم نبود. در جنگ هم همین طور بود.^۲

نقش زنان در انقلاب ثابت کرد که زن در سایه ایمان و آگاهی و به دور از منجلاب فساد که دنیای غرب برای او درست کرده، می‌تواند نقش اول را در تحولات جهانی ایفا کند. ثابت کرد که افتخار و عظمت زن در چیزهایی که دست‌های آلوده صهیونیسم برای او در دنیای منحط کنونی فراهم آورده نیست، بلکه در سایه طهارت و عفت و احساس مسئولیت است که زن می‌تواند همگام با مرد و در مواردی جلوتر از او گام بردارد.^۳

امروز سرگرم شدن به زروزیور برای زن انقلابی مسلمان ایرانی عیب است. امروز سر و سینه و دست را از زیورآلات پرکردن و زیور و آرایش و مد و لباس را بت خود قرار دادن، برای زن انقلابی مسلمان ایرانی ننگ است. آن زنی که در پی این‌گونه چیزهاست، از ارزش پایینی برخوردار است، طلا برای زن ارزش‌آفرین نیست، بی‌اعتنایی

به طلا ارزش‌آفرین است. مُد برای زن ارزش‌آفرین نیست، بی‌اعتنایی نسبت به مُدهای دام‌گونه ساخته و پرداخته دشمنان، برای زنان ارزش است.^۱ البته تجمل در حد معقول را اسلام هم رد نکرده، اما در حد غیر معقول به شکل مسابقه، چشم و هم‌چشمی، رقابت و وابسته کردن زن به تجملات، خلاف آن هدفی است که اسلام برای زن‌ها در نظر دارد.^۲

۴. نسخه شفابخش

زن مسلمان باید در راه فرزاندگی، علم و خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند و در میدان جهاد و مبارزه پیش قدم باشد، نسبت به زخارف دنیا و تجملات کم‌ارزش بی‌اعتنا باشد. عفت و عصمت و طهارتش در حدی باشد که چشم و نظر هرزه بیگانه را به خودی خود دفع کند. در محیط خانه، دل آرام شوهر و فرزندان باشد. مایه آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد. در دامن پر مهر و عطوفت و با سخنان پر نکته و مهر آمیزش فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند. انسان‌های بی‌عقده، خوش‌روحیه و سالم از لحاظ روحی و اعصاب در دامن او پرورش پیدا کنند. مردان و زنان و شخصیت‌های جامعه را به‌وجود بیاورد. مادر از هر سازنده‌ای، سازنده‌تر و با ارزش‌تر است.

بزرگترین دانشمندان ممکن است ابزار بسیار فوق پیچیده الکترونیکی یا موشک‌های قاره‌پیما و وسایل تسخیر فضا را به‌وجود آورند، ولی هیچ کدام از این‌ها اهمیت این را ندارد که کسی یک انسان والا را بسازد. چنین کاری فقط از مادر ساخته است. این، آن الگوی زن

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۶۸/۱۰/۲۶. ۲. همان، ۶۸/۹/۱۵.

۳. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۶۸/۴/۲۳.

۲. همان، ۸۱/۱۲/۱۵.

۱. همان، ۶۸/۱۰/۲۷.

فصل دوم کهنیت

اسلامی است. دنیای استکباری سرشار از جاهلیت، اشتباه می‌کند که خیال می‌کند ارزش و اعتبار زن به این است که خود را در چشم مردان بیاراید تا چشم‌های هرزه به او نگاه کنند و از او تمتع بگیرند و او را تحسین کنند. زن را به عنوان یک انسان والا نگاه کنید تا معلوم شود تکامل و حق آزادی او چیست؟ زن را به عنوان موجودی که می‌تواند خمیرمایه اصلاح جامعه برای پرورش انسان‌های والا بشود، نگاه کنید تا معلوم شود زن کیست و آزادی او چگونه است؟ زن را به عنوان عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید، اگرچه خانواده از زن و مرد تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل و موجودیت خانواده مؤثرند؛ اما آسایش فضای خانواده و آرامش و سکونی که در فضای خانواده وجود دارد، به برکت زن و طبیعت زنانه است؛ با این چشم به زن نگاه کنید تا معلوم شود زن چگونه کمال پیدا می‌کند و حقوق زن در چیست؟^۱

اسلام می‌خواهد رشد فکری، علمی، اجتماعی، سیاسی و بالاتر از همه رشد فضیلتی و معنوی زنان به حد اعلای برسد و وجودشان برای خانواده بشری و جامعه بشری به عنوان یک عضو، حد اعلایی فایده و ثمره را داشته باشد و لذا همه تعالیم اسلام از جمله مسئله حجاب بر این اساس استوار است.^۲ غربی‌ها فشار و تکیه بیشتر را گذاشتند روی آن مسئله‌ای که درست نقطه مقابل مسائل ارزشی و قاعی است و در اسلام به آن اهتمام شده و لذاست که ما در باب حجاب این همه تأکید داریم و به نظر ما بحث‌هایی که در باب پوشش زن می‌شود خوب است که انجام بگیرد.^۳

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۷۱/۱۹/۲۵. ۲. همان، ۶۸/۱۰/۲۶.

۳. همان، ۷۰/۱۰/۴.

شایع لغت حجاب پرده است؛ و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شد، به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس (زندانی) باشد و بیرون نرود. پوششی که اسلام برای زنان مقرر کرده، بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. در برخی از کشورهای قدیم مثل ایران قدیم و هند، چنین چیزهایی وجود داشته است. ولی در اسلام وجود ندارد.

پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن

خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.^۱

مفهوم عفاف

عفاف از ریشه عَفَّت است. عَفَّت، یعنی پدید آمدن حالتی برای نفس، که به وسیله آن از فزونخواهی شهوت جلوگیری شود؛ عَفَّت، یعنی خویشتن‌داری از آن چه حلال و زیبا نیست.

مفهوم اصطلاحی: عفاف در اصطلاح یعنی آن حالت نفسانی و رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان. عفاف و پاکدامنی یعنی تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، یعنی جزو آن افرادی که تا در مقابل یک شهوتی قرار می‌گیرند، بی‌اختیار می‌شوند و محکوم این غریزه خود هستند، نبودن.^۲

رابطه عفاف با حجاب و پوشش

عَفَّت نمی‌تواند یک امر صرفاً درونی باشد و هیچ علامت بیرونی نداشته باشد. بخشی از تفاوت در نشانه‌های خویشتن‌داری زن و مرد از تفاوت

مفهوم پوشش و حجاب

معنای لغوی حجاب: کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب؛ بیشتر استعمالش به معنی پرده است، این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش (پوششی که مانع از دیدن شیء پوشانده شده می‌شود) است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. حجاب به این معنا در قرآن هفت بار به کار رفته است.^۱

معنای اصطلاحی حجاب: استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها که در بحث «نماز» و «نکاح» این موضوع را مطرح کرده‌اند کلمه ستر را به کار برده‌اند، نه کلمه حجاب را، بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم. زیرا چنان که گفتیم، معنی

۱. سوره اعراف، آیه ۴۶؛ سوره اعراف، آیه ۴۵؛ سوره مريم، آیه ۱۷؛ سوره احزاب، آیه ۵۳؛ سوره ص، آیه ۳۲؛ سوره فصلت، آیه ۵؛ سوره شوری، آیه ۵۱.

۱. مسئله حجاب، ص ۷۷ و ۷۹.

۲. تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۵۲.

در خلقت آن‌ها سرچشمه می‌گیرد و یکی از نشانه‌های عفاف پوشش است. عفاف بدون رعایت پوشش قابل تصور نیست؛ نمی‌توان به زن با مردی عقیف گفت در حالی که عریان یا نیمه‌عریان در انظار عمومی ظاهر می‌شود؛ گرچه تفاوت در رفتارهای انسانی و حیوانی، ریشه در تفاوت خلقت و فطرت، گرایش‌ها و مننش‌ها دارد. در اسلام از نشانه‌های برجسته عفاف می‌توان به پوشش اسلامی (حجاب) اشاره نمود. وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند افراد فاسد و مزاحم جرأت نمی‌کنند به او تعرض کنند. حیا و عفاف از ویژگی‌های درونی انسان است و حجاب به شکل و قالب و نوع و چگونگی پوشش برمی‌گردد و زن بدون عفت و پوشش به زباله‌دان شهوت مردان بی‌اصول بدل می‌گردد.

نباید بگذارند عفت زن - که مهمترین عنصر برای شخصیت زن است - مورد بی‌اعتنای قرار گیرد. عفت در زن، وسیله‌ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران، حتی در چشم خود مردان شهوتران و بی‌بند و باز است. عفت زن، مایه احترام و شخصیت اوست و مسئله حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه عفاف در این بین سالم نگه داشته شود.

«امروز یکی از مشکلات زنان در دنیای غرب، به خصوص در کشور ایالات متحده امریکا، همین است که مردان با تکیه به زورمندی خودشان، به عفت زن تعدی و تجاوز می‌کنند. آمارهای رسمی آمریکا واقعاً وحشت‌انگیز است. در هر شش ثانیه، یک تجاوز به عفت در کشور امریکا صورت می‌گیرد! ببینید چقدر مسئله عفت مهم است و وقتی

بی‌اعتنایی کردند، قضیه به کجا می‌رسد. هر شش ثانیه، یک تجاوز به عفت! بر خلاف تمایل زن، مرد زورگو، ظالم، بی‌بندوبار و بی‌عفت بتواند به حریم عفت زن تعدی و تجاوز کند. اسلام این‌ها را ملاحظه می‌کند. مسئله حجاب که این همه مورد توجه اسلام است، به خاطر این‌هاست.»^۱

تاریخچه حجاب^۲

آثار به‌جا مانده از انسان‌ها و تمدن‌های کهن نشانگر این است که پوشش به اسلام اختصاص ندارد و پیشینه تاریخی و دیرینه دارد. از سه هزار سال قبل از میلاد در تصاویری که نقاشی شده؛ دختران تمام بدن و پسران نیمه پایین بدنشان پوشیده است. چهارده قرن پیش در نقوش برجسته، فرعون و زن و دخترش پوشیده هستند.

نقش برجسته‌های مربوط به چهارده قرن پیش از میلاد در مصر، ملکه را با پوشش نمایش داده است. نقش برجسته‌های موجود در موزه‌های بریتانیا، برلین و نایل، نشان‌دهنده پوشش زنان آن دوره می‌باشد. زنان در این مجسمه‌ها از پوشش کامل برخوردارند که بعضی مربوط به سه هزار سال قبل از میلاد هستند. در یونان، روم، مصر و ایران باستان زنان شهرنشین و ثروتمند، خود را می‌پوشاندند و از نظرها دور نگه می‌داشتند. در یونان زن در بیرون خانه بدن و صورت خود را می‌پوشاند. زنان آشوری به حجاب بدن و صورت و سر عادت داشتند. در روم شرقی حجاب شدیدتری رواج داشت و در روسیه تا هنگام سلطنت «پتر کبیر» حجاب معمول بود.

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۷۶/۷/۳۰.

۲. برگرفته از تاریخ تمدن، ج ۴ و ۶ و ۱۲ و حجاب در ادیان الهی.

پوشش در ادیان الهی^۱

۱. پوشش در آیین زرتشت

مرکز بعثت زرتشت ایران بود و زنان ایران زمین از زمان مادها - که نخستین ساکنان این دیار بودند - پوشش کامل شامل پیراهن بلند و چین دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنل بلند بر روی لباس‌ها داشتند و تا زمان بعثت پیامبر اسلام ﷺ ادامه داشته است. با توجه به متون تاریخی در زمان زرتشت اگرچه زن با آزادی در محیط بیرون از خانه رفت و آمد می‌کرده و همپای مردان به کار می‌پرداخته، ولی این امور با حجاب و پرهیز شدید از اختلاط‌های فسادانگیز همراه بوده است. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر یا برادرشان باشد ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورتی از زن دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد.

۲. پوشش در آیین یهود

در تورات و کتاب فقهی «تلمود» به صراحت وجود پوشش سر از نامحرمان، نهی از تشبّه زن به مرد و مرد به زن در پوشش، منع لمس و تماس و اختلاط زن و مرد، پرهیز از آرایش و ناز و غمزه و به صدا درآوردن خلخال‌های پا که موجب عذاب الهی می‌گردد، بیان شده است و در صورت عدم رعایت این فرامین، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه زنش را طلاق دهد.

۳. پوشش در آیین مسیح

مسیحیت، نه تنها احکام سخت یهود را استمرار بخشیده، بلکه در برخی موارد آن را تشدید نموده و در برخی از آیات انجیل کوشش شده عفاف

۱. همان.

درون را پشتوانه حجاب بیرونی قرار دهد و در مورد لزوم عفت و آراستگی زن به وسیله حیا و پرهیز از آرایش و زیورآلات، داشتن وقار و دوری از نگاه نامحرم و وجوب پوشاندن موی سر به ویژه در مراسم عبادی آیتی بیان شده است. کتاب‌های مصوّر مسیحیان و آرامنه بیانگر اهتمام زنان مسیحی و ارمنی به حجاب و عفاف است.

۴. پوشش در ایران باستان

در ایران در دوره مادها و هخامنشیان و اشکانیان، زنان علاوه بر لباس‌های بلند و گشاد و آستین دار روی آن چادری هم به سر می‌کرده‌اند و لباس بیرون از منزلشان از تجمّلات و تزیینات خاص دور بوده است و از اختلاط با نامحرمان به شدت پرهیز می‌کرده‌اند. آنچه در ایران ساسانی بوده است، تنها پوشیدگی زن نبوده، بلکه مخفی نگه داشتن زن بوده است.

۵. پوشش در سایر ملل

حجاب زنان از عادت قدیم تمدن‌های بشری بوده است و منشأ پیدایش حجاب حرمت زنان محترمه و ثروتمند بوده و بعداً صورت عفاف به خود گرفته است.

زنان یونانی صورت و اقدامشان را تا روی پامی پوشاندند. زن‌های فنیقی دارای پوشش‌های قرمز رنگ بودند. در لابه‌لای قدیمی‌ترین کتاب‌های یونانی سخن از حجاب به چشم می‌خورد. در بعضی شهرها صورتشان را با پارچه می‌پوشاندند و دو منفذ جلو چشمشان قرار می‌دادند. در بعضی شهرها موقع رفتن به بازار واجب بوده که زنان صورت‌هایشان را بپوشانند. در هند نیز

حجاب سخت و شدیدی نظیر حجاب ایرانیان باستان حکمفرما بوده است.

بنابراین، در عهد باستان در میان همه ادیان و اقوام یونانی، رومی، آلمانی و خاور نزدیک و ... پوشش زن به طور کامل رعایت می شده و از نیمه دوم قرن هجدهم آثاری مبنی بر کم شدن تدریجی حجاب به چشم می خورد.

۶. پوشش زنان عرب

زنان عرب پیش از اسلام پوشش مناسبی نداشتند؛ از این رو همسران پیامبر ﷺ از پیروی آن الگو منع شدند. آیات سوره احزاب^۱ بیانگر این نکته مهم است. از بررسی های تایخی نتیجه می گیریم که اصل پوشش، پیش از اسلام رواج داشته است و اسلام فقط حد و مرز آن را مشخص کرده است؛ به عبارت دیگر، اسلام این رسم یا عادت را که در برخی جوامع به گونه ای شدید و یا ضعیف بوده است، به حد اعتدال و حدود شرعی رسانده و آن را اصلاح و تعدیل کرده است و جزء فرائض دین قرار داده است تا ناهنجاری های اجتماعی و خانوادگی را که نتیجه افراطها و تفریطها در این زمینه بوده است، برطرف سازد.^۲

۷. پوشش مسلمانان پیش از نزول آیه حجاب

به نظر می رسد حکم حجاب در سال ششم هجرت تشریح گردید. صاحب تفسیر کشاف، وضع زنان را در پیش از نزول آیات حجاب چنین شرح می دهد:

۱. سوره احزاب، آیه ۳۲ و ۳۳.

۲. برگرفته از تاریخ تمدن، ج ۴ و ۶ و ۱۲ و حجاب در ادیان الهی.

«زنان، گریبان هایشان گشاد و باز بود، گردن و سینه و اطراف سینه هایشان دیده می شد و داخل روسری ها را معمولاً از پشت سر برمی گرداندند (همان طور که الآن بین مردان عرب متداول است) و قسمت های گردن و بناگوش و سینه دیده می شد.»^۱

باید خاطر نشان کرد که پیش از نزول این آیات، زنان مثل مردان با سر باز در معرض اجتماع رفت و آمد نمی کردند، اقامه نماز و حضور زنان در مسجد به طور حتم با پوشش همراه بود، گرچه نحوه آن با آمدن آیات قرآن تغییر کرد و صورت جدیدتر و کامل تری به خود گرفت، از این رو نمی توان گفت که زنان قبل از نزول آیات فوق، هنگام نماز پوششی نداشتند، یا در اماکن مقدس و معنوی با همان وضع و شرایطی که در داخل خانه حاضر می شدند حضور یافته، به سخنان پیامبر ﷺ در کنار مردان در مساجد گوش فرامی دادند. بنابراین آنچه در جامعه رواج داشت و قرآن به مبارزه با آن برخاست، پدیده بدحجابی بود، نه بی حجابی.

کشف حجاب در ایران

گرچه حافظه مردم، هفدهم دیماه ۱۳۶۴ را آغاز کشف حجاب می داند؛ اما تغییر شکل لباس زنان در ایران از حرمسرای ناصرالدین شاه پس از سفر او به اروپا آغاز شد. او دستور داد زن ها، به تقلید از «بالرین» های روسی، لباس های کوتاه با شلواری های نازک چسبان بپوشند. این مدل لباس پوشیدن، به زودی به زنان اعیان و پس از آن به سایر خانم ها سرایت کرد. بدین ترتیب لباس های تا پشت پا به سر زانو رسید. بعد از مشروطه

۱. تفسیر کشاف، ذیل آیه ۳۱ سوره نور.

نیز به نام آزادی خواهی برای زن، حجاب را بزرگترین مانع ترقی او خواندند و به طور مبالغه آمیزی آن را تبلیغ نمودند. به این ترتیب نسخه کشف حجاب برای زن ایرانی، پس از زنان ترکیه و افغانستان پیچیده شد. استعمار در پی شکست طرح حضور مستقیم در کشورهای اسلامی، راه تهاجم به فرهنگ غنی و انسان ساز اسلام و مقابله با گسترش تعالیم مقدس آن را در پیش گرفت و مبارزه ای جدی و پی گیر را با مظاهر اسلام و هرچه که رنگ و صیغه دین و دین باوری داشت، آغاز نمود. «امان الله خان» در افغانستان مأموریت یافت با فرهنگ اسلامی مبارزه و راه را برای ترویج و گسترش جلوه های مبتذل فرهنگ غرب هموار کند. در ترکیه این مأموریت استعماری به مصطفی کمال پاشا معروف به «آتاترک» سپرده شد و او با عزمی جزم ضمن مقابله مستقیم با اسلام، کشورش را متحول نمود؛ «رضا خان» نیز در ایران مأمور اسلام زدایی و آماده سازی زمینه ها و شرایط ترویج و رونق فرهنگ مبتذل غرب شد.

با مطرح شد کشف حجاب و از سر برداشتن چادر که نشانه عفاف و پاکی زن مسلمان به حساب می آمد، مخالفت مردم متدین آغاز شد. مخالفت ها و مبارزات مردم با دستگیری و کشتار مردم و روحانیون سرکوب گردید و بدین ترتیب زمینه های مناسب برای علنی نمودن منع حجاب آماده شد و این گونه حجاب و نجابت زن ایرانی به وسیله رضاشاه برداشته شد و غیرت و شرف مردان منکوب و ناموسشان در معرض دید و تماشای دیگران قرار گرفت.

ضرورت حفظ حریم میان زن و مرد

دیدگاه استاد

حکم پوشش از احکام ضروری اسلام است و هیچ مسلمانی نمی تواند در آن تردید کند؛ زیرا در قرآن و روایات به آن تصریح شده است. به همین جهت، فقهای شیعه و سنی به اتفاق به وجوب آن فتوا داده اند. همان طور که نماز و روزه به دورانی خاص اختصاص ندارد، دستور پوشش نیز مختص به زمان خاصی نیست.

قرآن کریم درباره ضرورت پوشش اسلامی می فرماید: «ذَلِكَ أَذُنِي أُنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنِ»^۱ این کار برای این که از (کنیزان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است. در آیه دیگر زنان بهشتی را به مروارید تشبیه می نماید که به سبب ارزشمندی در صدف پیچیده شده است. «كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ»^۲ و بار دیگر می فرماید: زنان بهشتی در سراپرده های خود مستورند «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْغِيَامِ»^۳ در روایات نیز زن، ریحانه یا گل ظریف معرفی گردیده است «المرأة ریحانة»^۴. بنابراین، خالق این گل برای حفظ آن از آسیب حوادث، حجاب را واجب نموده است. «حقیقت آن است که حرکات و سکناات انسان نیز زبان دار است. گاهی وضع لباس، راه رفتن و سخن گفتن زن معنادار است و به زبان بی زبانی می گوید: دلت را به من بده، در آرزوی من باش، مرا تعقیب کن و گاهی برعکس، با پوشش و وقارش اعلام می دارد: که دست تعرض از این حریم کوتاه است.»^۵

۱. سوره احزاب، آیه ۵۹.

۲. سوره واقعه، آیه ۲۳.

۳. سوره الرحمن، آیه ۷۲.

۴. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۰.

۵. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۶۳.

از طرف دیگر رعایت حجاب و پوشش، آثار ارزنده‌ای را به بار می‌آورد که ضرورت آن را دوچندان می‌نماید. برخی از آن آثار عبارتند از:

۱. آرامش روانی

روح بشر فوق‌العاده تحریک‌پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک‌پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی، از هوس سیر نمی‌شود. و از طرفی تقاضای نامحدد، خواه‌ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه با نوعی احساس محرومیت همراه است. دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد؛ از این رو اسلام برای تعدیل و رام کردن این غریزه تدابیری اندیشیده است و در این زمینه هم برای زنان و هم برای مردان، تکلیف معین کرده است، و وظیفه مشترک برای هر دو، مربوط به نگاه کردن است خلاصه این دستور این است که چشم چرانی، نگاه‌های خیره و مملو از شهوت و به قصد لذت به یکدیگر ممنوع است. وظیفه خاص زنان هم این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشانند و در اجتماع به جلوه‌گری و دلربایی نپردازند. به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه‌ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم سازند. بدیهی است که انجام این دستورها، باعث آرامش روحی و روانی زنان و مردان خواهد شد.

۲. استحکام پیوند خانوادگی

خانواده با اهمیت‌ترین نهاد اجتماع است، پس زن و مرد باید در انجام موری که این بنا را مستحکم‌تر می‌کند، تا سر حدّ توان تلاش نمایند و

عواملی را که باعث سست شدن بنیاد این نهاد مقدس می‌گردد، از آن دور نمایند.

عوامل استحکام خانواده عبارتند از:

الف) اختصاص دلربایی و دلباختگی به محیط خانه و خانواده در شکل ازدواج مشروع: فلسفه حجاب در اسلام این است که این مهم تحقق یابد و هر یک از زن و مرد تنها عامل خوشبختی خود را همسر قانونی خود بدانند.

ب) ایجاد پاک‌ترین و صمیمی‌ترین عواطف بین زوجین و برقرارساختن یگانگی و اتحاد کامل در کانون خانواده: در کنار همه عوامل تأثیرگذار، تأمین این هدف وقتی ممکن است که مرد چشم به زنی غیر از همسرش نداشته باشد و زن نیز در صدد تحریک و جلب توجه کسی جز شوهر خود نباشد، و اصل ممنوعیت هر نوع کامیابی جنسی در غیر چارچوب خانواده حتی قبل از ازدواج هم رعایت گردد.

عوامل سستی بنیان خانواده عبارتند از:

الف) انجام اعمالی که باعث جلب توجه افرادی غیر از همسر می‌شود.

ب) معاشرت‌های آزاد و بی‌بندوبار همسران که ازدواج را به تکلیفی محدودیت‌آور و مزاحم برای کامیابی آزاد از غیر همسر قانونی تبدیل می‌سازد.

قرآن کریم همسران را «لباس» یکدیگر می‌داند: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ»؛^۱ زنانان لباس شما هستند و شما لباس زنانان هستید. لباس

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۷.

از همه چیز به تن انسان نزدیک تر و محرم تر است و در عین حال، تن را از نگاه دیگران می پوشاند.

«زن و شوهر نیز به یکدیگر نزدیکند و هر یک از آن دو موجب حفظ عفت دیگری است، آن چنان که لباس، انسان را از برهنگی و بی عفتی حفظ می کند.»^۱

و به همان ترتیب که لباس هر کس مایه وقار و آراستگی اوست، همسر انسان نیز باید وقار و آراستگی را در اجتماع برای او فراهم سازد.^۲ بی قیدی نسبت به تعهدات خانوادگی مانع ایفای نقش مکملی زن و مرد می گردد و به تعبیر قرآن این لباس ها دیگر مایه حفظ عفت و وقار و رشد شخصیت نمی باشند. حجاب از لوازم سامان یافتن بنیان خانواده است و بی حجابی با آن تعارض آشکار دارد، زیرا بی بندوباری در پوشش، بی بندوباری در تحریک و احساس نیاز را در پی دارد و تأمین نیازهای شعله ور، بنیاد خانواده را نشانه می رود.

۳. امنیت اجتماعی

حجاب بر خلاف نظر منتقدان آن باعث انجام صحیح مسئولیت های اجتماعی است. اسلام نه تنها بیرون رفتن زن، تحصیل علم و فعالیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی او را منع نمی کند؛ بلکه آیات قرآن، احادیث اهل بیت علیهم السلام و سیره عملی حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام و زنان بزرگ تاریخ اسلام این مطلب را اثبات می نماید. اسلام برای پیشگیری از آلوده شدن محیط کار و اجتماع به لذت جویی هایی که

مختص به محیط خانواده است، حجاب را واجب نمود. چرا که عدم امنیت، رکود فعالیت زنان و مردان را به بار می آورد. حضرت امام خمینی علیه السلام در این باره می فرمایند:

«اکثر شما خانم ها آن زمان را یاد ندارید و شاید در بین شما بسیار کم باشد که آن زمان اسفبار را یاد داشته باشد. در آن زمان به اسم این که می خواهیم نیمی از جمعیت ایران را فعال کنیم، دست به یک جنایت زدند و آن جنایت کشف حجاب بود که به جای این که نیمی از جمعیت ایران را فعال کند آن نیم دیگر را که مردان بودند هم از فعالیت انداخت. عروسک هایی که درست کردند، آن هایی که در ادارات بودند، سایر افراد را هم از کارهای خودشان بازداشتند و آن هایی که در خیابان ها رها بودند، جوان های ما را به فساد کشاندند و آن ها را از فعالیت انداختند.»^۱

«ای زن! آگاه باش، دنیا خراب آبادی است که هر نقطه آن به مین های شیطان و نگاه های آلوده، ناامن گشته است. اما فرشته های باحجاب در محفل انس و یاد خدا در امنیتی بی نظیر به سر می برند که دیگران از طعم آن بی خبرند.»^۲

۴. ارزش و احترام زن

در طول تاریخ یکی از راه هایی که زن برای حفظ مقام و ارزش خود از آن استفاده کرده، حفظ حریم در برابر مرد نامحرم بوده است. این همان روشی است که اسلام بر آن تأکید کرده است. زن هر اندازه با وقار و

۱. المیزان، ج ۳، ذیل آیه ۱۸۷ سوره بقره.

۲. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، ص ۷۲.

۱. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۳۵۹.

۲. تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، ص ۱۶.

عفیف‌تر ظاهر شود، از احترام و ارزش بالاتری در نزد مردان برخوردار می‌شود.

دیدگاه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان

بی‌تردید در زندگی اجتماعی، افراد جامعه ناگزیر هم از سنت‌های خوب و مفید و هم از آداب و رفتار بد و زیان‌آور تأثیر می‌پذیرند، در این بخش دیدگاه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، دربارهٔ اثرات رعایت حجاب و بی‌حجابی بر سلامت فرد، خانواده و اجتماع بیان می‌شود:

۱. حجاب و رشد شخصیت

مجموعه صفات و ویژگی‌های جسمی، روانی و رفتاری که هر انسان را از انسان‌های دیگر متمایز می‌سازد، «شخصیت» نام دارد. بر این اساس، هر کس شخصیتی دارد که خود را با آن معرفی می‌کند و دیگران نیز او را با همان ویژگی‌ها می‌شناسند انسانی که پیوسته نگران زیبایی خود است و بیشتر در جهت معرفی پیکر خود می‌کوشد، زندگی‌اش تحت فرمان و اراده‌اش نیست، او چنان زندگی می‌کند که دیگران می‌پسندند، نه آن‌گونه که خود می‌خواهد. چنین فردی در حس هویت‌یابی خود، دچار شکست شده است و قادر نیست هویتش را به کمال برساند.

زن هم مانند مرد یک انسان است و باید در بعد انسانی رشد و تکامل یابد. کسی که با نمایش زیبایی خود و گزینش پوششی ویژه، در اندیشهٔ جلب نظر دیگران به سر می‌برد، در حقیقت می‌خواهد با تکیه بر جذابیت‌های ظاهری خویش و نه اصالت‌ها و ارزش‌های متعالی خود جایی در جامعه بیابد. در واقع او از این طریق اعلام می‌دارد، آن‌چه برایش اصل است و اهمیت دارد، «زن بودن» است، نه انسانیت، اندیشه،

لیاقت و کارآیی‌اش. چنین فردی قبل از همه، اسیر خویش است و به مغازه‌داری شبیه است که پیوسته در اندیشهٔ تزئین ظاهر اجناس خود و تغییر دکور فروشگاهش به سر می‌برد و فرصت پرداختن به آرزوهای بزرگتر را نمی‌یابد.^۱

۲. حجاب و احساس ارزش و حرمت

روان‌شناسان، میزان ارزش و احترامی که هر انسانی برای خود قائل است را «حرمت خود» می‌نامند و آن را اساسی‌ترین عامل رشد و کمال انسان، قلمداد می‌کنند. انسان با رفتار و گفتارش نشان می‌دهد که تا چه حد برای خود ارزش و احترام قائل است. بر اساس نتیجهٔ این قضاوت است که فرد خود را توانا، مهم، موفق و ارزش و یا ضعیف، ناموفق و بی‌ارزش می‌داند.

هر چقدر فرد خود را با ارزش‌تر بداند، در راه رسیدن به یک زندگی عاطفی متعادل توانمندتر خواهد بود. انسانی که همواره از آشکار شدن ناتوانیش هراسناک است، در نمایش هیجان‌ات و عواطفش ابتکار عمل ندارد و دیگران برای او تصمیم می‌گیرند، بی‌تردید خود را ارزشمند نمی‌داند.^۲

خلاقیت نیز با سطح حرمت خود رابطه‌ای کاملاً مستقیم دارد. در جامعه‌ای که برهنگی تمام شریان‌های آن را پر کرده و زن و مرد همواره در حال مقایسهٔ داشته‌ها و نداشته‌های خویش هستند، انسان‌ها در

۱. برگرفته از: روان‌شناسی شخصیت؛ یوسف کریمی، فلسفه حجاب؛ علی محمدی و روان‌شناسی

حرمت خود؛ ناتانیل براندل، ترجمه هاشمی جمال.

۲. با استفاده از مجله روان‌شناسی، شماره ۲، بررسی حرمت خود در نوجوانان؛ سید حسن سلیمی؛

مسئله حجاب و نظام حقوق زن در اسلام؛ مرتضی مطهری.

تشویش مستمر و دلهره همیشه‌گی فرو می‌روند زیرا رقابت و مقایسه در میدانی رخ می‌نماید که ظرفیت رقابت ندارد و بدین سبب، آدمی به تنوع طلبی حریصانه کشیده می‌شود. بی‌تردید تا وقتی این اندیشه، فضای ذهن آدمی را اشغال کرده است، فرصتی برای بروز خلاقیت و ابتکار باقی نمی‌ماند. ذهن مشغول به تصاحب دل و جلب نظر دیگران هرگز اندیشه علمی را بر نمی‌تابد و نمی‌تواند یافته‌ای تازه عرضه کند. او در پی آن است که در وضعیت موجود پسندیده شود نه آن که با ابتکار و خلاقیت، وضعیت را تغییر دهد و طرحی نو دراندازد. از سوی دیگر، از آن جا که با تمام وجود خود را بی‌ارزش می‌پندارد، برای جبران این کمبود از طریق عرضه پیکر آراسته خود، آسان‌ترین راه را برای مقبولیت در نزد دیگران، برمی‌گزیند. چنین فردی هم ارزشمندی را از کف داده و هم برای جبران آن به بیراهه رفته است. در حالی که زن با احساس ارزشمندی، خود را از دسترس بیگانگان دور نگه می‌دارد تا آن جا که مرد، نیازمندانه به آستان وی روی آورد. او باور دارد که راه رسیدن به احساس ارزشمندی پایدار، کسب صفات با ارزش و پابرجا است. از همین رو است که ویل دورانت می‌گوید:

زن در یافته‌اند که دست‌ودلبازی مایه طعن و تحقیر است.

اگر زنان این مفهوم را به طور کامل درک کنند، بی‌تردید به پوشیدگی و مخفی ساختن پیکر خویش بیشتر گرایش نشان می‌دهند چرا که راه احساس ارزشمندی، در دسترس و مقبول بودن لحظه به لحظه نیست. راسل می‌گوید:

از لحاظ هنری، مایه تأسف است که بتوان به آسانی به زنان دست

یافت.

ویل دورانت نیز می‌گوید: آن چه می‌جوییم و نمی‌یابیم، عزیز و گران بها می‌گردد.

«ویلیام جیمز» به صراحت توصیه می‌کند: زنان عزت و احترام‌شان به این است که به دنبال مردان نروند، خود را مبتذل نکنند و خود را از دسترس مردان، دور نگه دارند.

پس حجاب پدیدآورنده و تثبیت‌کننده احساس ارزشمندی و احترام برای زنان و محدودیت و محرومیت برای مردان است؛ چون راه چشم را که نافذترین کانال حسی مردان است نمی‌توان سد کرد. به زنان گفته می‌شود: پوشیده بیرون بیایید ولی در واقع مخاطب اصلی مرد است که به او گفته می‌شود: بهره‌برداری آزاد جنسی در همه جا ممنوع است.^۱

۳. حجاب و تأمین نیازهای خانواده

خانواده کانون عشق و امید و تحقق آرزوهای آدمی و مرکز تولد و پرورش نسل بشر است به گونه‌ای که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون خانواده پایدار بماند. غریزه جنسی یکی از علل مهم ازدواج و به وجود آمدن خانواده است اما برای پایداری آن کافی نیست. بعد از ازدواج به تدریج، اهداف جدیدی شکل می‌گیرد خواسته‌های غریزی اندک اندک جای خود را به نیازهای روانی، امنیتی، عاطفی و شناختی می‌دهد و دیگر سرمایه عشق‌ورزی به تنهایی برای تأمین اهداف خانواده کافی نیست. نخستین شرط تأمین نیازهای جدید، آن است که زن و شوهر از تمایلات و هویت فردی دست برداشته، برای ایجاد هویتی جمعی، تلاش نمایند. چنانچه هر یک فقط خواهش خویش را دنبال کند، یعنی

۱. همان، با استفاده از مجله شماره ۲.

زن در جهت تجمل و خودنمایی و مورد پسند واقع شدن در اجتماع و جلب توجه مردان بیگانه گام بردارد، در دغدغه مقبولیت خویش فرو رود و نقش مادری را به فراموشی سپارد و از سوی دیگر مرد در اندیشه رسیدن به تمکین‌های نوتر و پر رونق‌تر به سر برد و نقش پدری را فراموش کند، بنیان خانواده بر باد می‌رود. بی‌تردید پرداختن به اموری چون توجه به لباس، بدن، روی، موی و انگشت‌نما شدن و مشخص‌تر معرفی کردن خود و فراموش کردن اهداف خانواده و نیازهای برتر، پایه‌های خانواده را متزلزل می‌سازد.

۴. حجاب و مسئولیت اجتماعی

هر کس در برابر خود و دیگران مسئول است. توفیق در انجام مسئولیت، نیازمند استعداد و توانمندی کافی است. پوشش مناسب زن در اجتماع توانمندی او را در ایفای نقش اجتماعی بالا می‌برد، چرا که هم خود او بدون دغدغه دل‌ربایی و جلب نظر دیگران به انجام وظیفه می‌پردازد، هم محیط را برای ایفای نقش مردان، آلوده نمی‌سازد.

فلسفه حجاب

«در مسئله پوشش، روح سخن آن است که آیا بهره بردن مرد از زن باید رایگان باشد؟ آیا مرد حق دارد که از هر زنی در هر محفلی حداکثر استفاده را ببرد؟ اسلام که به روح مسائل می‌نگرد به این سؤال جواب منفی می‌دهد، مردان فقط در محیط خانوادگی و در چارچوب قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می‌توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کام‌جوئی کنند، اما در محیط اجتماع استفاده از زنان بیگانه ممنوع است. برای زنان نیز کامیاب ساختن مردان در خارج از

کانون خانوادگی به هر صورت و به هر شکل، ممنوع می‌باشد چون آن کسی که در این مسئله بهره‌مند می‌گردد مرد است نه زن، لااقل مرد از زن بیش‌تر بهره می‌برد.

بنابراین، حجاب در اسلام از یک مسئله کلی و اساسی ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع لذت‌جویی‌های جنسی، چه از طریق نگاه چه لمس و چه نوع دیگر به محیط خانواده و در شکل ازدواج قانونی اختصاص یابد و انسان در اجتماع منحصرأ برای انجام کار و فعالیت حاضر شود.^۱

خلاصه این که حجاب از دیدگاه اسلام اعلان انزوای زن و برکناری او از فعالیت اجتماعی نیست، بلکه جان‌پناهی است که در هجوم تیرهای مسموم نگاه به آن پناه می‌برد. اگرچه زن با حفظ پوشش اسلامی ممکن است خود را محدود ببیند، اما او در صورتی می‌تواند به عنوان یک انسان ارزشمند با حفظ امنیت در اجتماع ظاهر شود که با سپری مطمئن، بلا را از خود دور نماید. به همین دلیل حتی اگر کسی از میچ تا سر انگشتان دو دست و گردی صورت زن را بالذت نگاه کند، آن مواضع نیز باید پوشیده شوند.

فلسفه حجاب کامل در نماز

«همان‌طور که قبلاً بیان گردید، از دیدگاه یکتاپرستان، همه دستوره‌های خداوند بر اساس علم و حکمت بی‌حد اوست، روشن است که بشر توانایی آگاهی از همه آن اسرار را ندارد. آنچه مسلم است این که خالق مهربان با صدور این احکام، درجه تعبد و بندگی مخلوقات را

۱. مسئله حجاب، ص ۸۳.

اندازه‌گیری می‌نماید، البته اگر انسان تا حدودی با فلسفه احکام آشنا شود، انگیزه او برای انجام آن دستورات تقویت می‌گردد. در این مجال به بعضی از علل وجوب رعایت حجاب کامل در نماز اشاره می‌شود:

الف) پوشیدگی در نماز تمرین مداوم برای رعایت حجاب در اجتماع است که مانند واکسن یادآور، زن را در برابر آسیب‌هایی که ممکن است اعتقاد او را به انجام این حکم الهی تهدید نماید، مصونیت می‌بخشد.

ب) وجود پوششی مخصوص، انسان را از توجه به تجملات و زینت‌های دنیوی دور می‌کند و باعث حضور قلب بیشتر در نماز می‌شود.

ج) از آنجایی که در برداشتن عبا و پوشاندن سر در نماز برای مردان نیز مستحب است، پوشیدگی را می‌توان نوعی ادب و احترام در برابر خداوند به شمار آورد.^۱

حدود پوشش در نماز با حجاب زن در برابر نامحرم تفاوت‌هایی دارد که توضیح آن خواهد آمد.

فصل سوم نیاز انسان به لباس

خداوند از آن چه آفریده سایه‌هایی برای شما قرار داده، و از کوه‌ها پناهگاه‌هایی، و برای شما پیراهن‌هایی آفریده که شما را از گرما (و سرما) حفظ می‌کند، و پیراهن‌هایی که حافظ شما به هنگام جنگ است، این‌گونه او نعمت‌هایش را بر شما کامل می‌کند تا تسلیم فرمان او شوید.

در این آیه سایه‌ها اعم از سایه درختان و اشیاء دیگر و یا سایه غارها و پناهگاه‌های کوهستانی به عنوان نعمت الهی معرفی شده‌اند، زیرا همان‌گونه که انسان در زندگی نیاز به تابش نور دارد، در بسیاری از اوقات نیاز به سایه دارد، چرا که اگر نور یک‌نواخت بتابد، زندگی غیر ممکن خواهد بود. بزرگترین سایه برای ساکنان زمین، سایه کره زمین است که شب نام دارد و نیمی از سطح زمین را می‌پوشاند. نقش این سایه بزرگ و سایه‌های کوچک‌تر به هنگام روز بر کسی پوشیده نیست.

ممکن است اهمیت غارها و پناهگاه‌های کوهستانی برای شهرنشینان آسوده‌خاطر هرگز روشن نباشد، ولی بیابانگردها، مسافران بی‌دفاع، چوپان‌ها و خلاصه همه کسانی که از نعمت خانه‌های ثابت و سیار محرومند و در آفتاب داغ تابستان و یا سوز سرمای زمستان گرفتار می‌شوند، می‌دانند تا چه اندازه وجود یک پناهگاه کوهستانی، اهمیت حیاتی دارد.

در ادامه آیه، به دنبال بیان سایبان‌های طبیعی و مصنوعی به سراغ پوشش‌های بدن انسان می‌رود و می‌فرماید:

خداوند پیراهن‌هایی که شما را از گرما حفظ می‌کند و پیراهن‌های

مخصوص پر مقاومتی که به هنگام جنگ حافظ شما است؛ برای شما

قرار داد.

حجاب در قرآن و سنت

آنچه از آیات و روایات برداشت می‌شود، این است که لباس به سه نیاز انسان پاسخ می‌دهد:

۱. لباس محافظ بدن در مقابل سرما، گرما و خطرات است؛^۱

۲. لباس مایه آراستگی، زیبایی و وقار است؛^۲

۳. لباس حافظ عفت و حیا است.^۳

لباس، محافظ بدن از سرما و گرما

در آیه ۸۱ سوره نحل آمده است:^۴

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَائِلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ وَ سَرَائِلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ﴾

۱. سوره نحل، آیه ۸۱

۲. سوره اعراف، آیه ۲۶.

۳. سوره نور، آیات ۳۰ و ۳۱ و ۵۹ و سوره احزاب، آیه ۵۹ و ۶۰.

۴. برگرفته از تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۴۶ و تفسیر نور، ج ۶، ص ۴۳۴ و ترجمه تفسیر المیزان،

ج ۱۲، ص ۴۵۱.